



نقل قول



جهان کودکان سرشار از فانتزی رؤیا، شعر و موسیقی است

مهر: رضایضی از بازیگران پیشکسوت سینما و تلویزیون با مرور خاطرات گذشته می گوید: یکی از زیباترین خاطراتم در زندگی از مواجهه با کودکان، زمانی بود که پس از پخش «زی زی گولو» در میناب بودم و در آنجا دختر بچه‌ای سیه‌چرده با چشمانی درخشان و موهای آشفته، با شگفتی دستم را گرفت و با هیجان می خندید و گریه می کرد. نمی توانست باور کند که شخصیت آقای جمالی از تلویزیون بیرون آمده و در مقابلش ایستاده است. آن لحظه چنان شگفت‌انگیز و تأثیرگذار بود که هرگز فراموشش نکردم. جهان کودک سرشار از فانتزی، رؤیا، شعر و موسیقی است. بدون این عناصر، توصیف دیگری نمی‌توان برای آن متصور شد. برای ورود به این جهان، باید این اجزا را درک کرد تا بتوان در عرصه‌هایی مانند نمایش، نقاشی و سینما، حال و هوای فانتزی و رؤیایی مورد نیاز کودکان را خلق کرد. بچه‌ها با همه چیز ارتباط برقرار می کنند، ما نیز باید بتوانیم برای پیوند با آنها، با تمامی عناصر جهان، ابر و باد و مه و خورشید و فلک ارتباط بگیریم. خاطره‌ای از دوران کودکی خود دارم که با چوب کبریت برای خودم داستان‌سازی می کردم. برای هر چوب کبریت شخصیتی قائل می شدم و بین آنها روابط و گاهی دعوا ایجاد می کردم. در واقع، در دنیای کودکان خودم، برنامه‌ای خلق و آن را اجرا می کردم. بسیاری از کودکان نیز در دنیای خودشان چنین داستان‌هایی خلق می کنند، هر چند نگاه‌شان ممکن است متفاوت باشد.



ترجمه مجدد بعضی کتاب‌ها عوام‌فریبی است

ایبنا: رضارضایی از مترجمان ادبی کشور با انتقاد از وضعیت ترجمه داستان‌ها و رمان‌ها بیان می‌کند: متأسفانه امروز در جامعه ایران با پدیده‌ای مواجهیم که بانام «ترجمه مجدد» شناخته می‌شود ولی با آنچه من گفتم کاملاً تفاوت دارد. ترجمه‌های آزاد می‌منتشر می‌شوند که از ترجمه‌های قبلی ضعیف‌ترند. خب‌این چه ضرورتی دارد؟ از نظر ادبی هیچ، بعضی ناشران صرفاً به خاطر فروش دست به این کار می‌زنند. می‌دانند فلان اثر پرفروش است، پس دوباره ترجمه‌اش می‌کنند تا نسخه‌ای دیگر به بازار بدهند. این کار چیزی جز عوام‌فریبی نیست. خواننده هم از این وضعیت دαρده می‌شود، حتی ممکن است دیگر سراغ ترجمه‌های خوب هم نرود چون از یک نسخه بدزده شده است. این ترجمه‌ها معمولاً ازآزان ترجمه تمام می‌شوند، چون بایه دقتی و کپی‌کاری و سرهم‌بندی تولید می‌شوند. کاری که یک مترجم جدی شاید یک سال برایش وقت بگذارد این افراد در یک ماه تحویل می‌دهند. برای ناشر هم هزینه کمتر دارد و سریع وارد بازار می‌شود. مثلاً تا آنجا که من می‌دانم همین حالا از رمان «گتسی بزرگ» ۱۱ ترجمه در بازار هست! ترجمه من سال ۱۳۹۴ منتشر شد. طی ۱۰ سال گذشته چند ترجمه دیگر هم از آن وارد بازار شده است. انتظار دارم اگر ترجمه تازه‌ای منتشر می‌شود یک پله از ترجمه من جلوتر باشد، حتی ده‌صد بهتر باشد. اگر چنین باشد من خودم با مترجم تماس می‌گیرم، به او تبریک می‌گویم و در چاپ بعدی کتابم اشاره می‌کنم که این ترجمه تازه برخی اشکال‌های ترجمه من را برطرف کرده است، اما متأسفانه تا امروز با چنین نمونه‌ای برخورد نکردم.



فیلم‌نامه ضعیف به کل بخش‌های فیلم آسیب می‌زند

سینما پرس: حبیب دهقان نسب، از بازیگران باتجربه سینما و تلویزیون درباره افول کیفیت نقش آفرینی بازیگران می‌گوید: دلیل اصلی این مسئله فیلم‌نامه است. فیلم‌نامه حرف اول را می‌زند؛ یعنی فیلم‌نامه خوب به همه عوامل از جمله بازیگر، کارگردان، طراح صحنه، لباس، مدیر صحنه، موسیقیدان و سایر اعضای تیم می‌گوید که چه کاری باید انجام دهند و چگونه عمل کنند. وقتی فیلم‌نامه ضعیف باشد، قصه درست نباشد، چارچوب و ساختار مناسبی نداشته باشد، شخصیت پردازی ضعیف باشد و روند داستانی درستی وجود نداشته باشد، طبیعتاً همه عوامل در کار کردن با آن فیلم‌نامه با مشکل مواجه می‌شوند. شخصیت پردازی یکی از ارکان اصلی یک فیلم‌نامه است. وقتی شخصیت‌ها یک‌بعدی و تک‌ساحتی باشند و به درستی شکل نگرفته باشند، قطعاً بازیگران نمی‌توانند اثری قوی ارائه دهند. به نظر من، بسیاری از مشکلات به ضعف فیلم‌نامه و به خصوص شخصیت پردازی بر می‌گردد. این موضوع فقط مختص تلویزیون نیست، بلکه بودجه‌های محدود هم تأثیرگذار است. تهیه‌کنندگان تمایل دارند هزینه‌ها را کاهش دهند، بنابراین اغلب سراغ بازیگران حرفه‌ای می‌روند و مایقی نقش‌ها را به بازیگران کم‌تجربه می‌سپارند.

پروری بر

کارنامه بازیگری هادی حجازی‌فر به انگیزه اکران «ناتوردشت»

سلوک سینمایی یک بازیگر در شمایل قهرمانی زخم خورده



حجازی‌فر، هم‌مسیر شدن با کارگردان‌های مختلف را به خود دیده، «دوزیست» یکی از همین آثار است؛ فیلمی به کارگردانی برزو نیک‌نژاد که حاصلش این شد که از او رهبری یک تیم پربازیگر را فراگرفت. «بنی همه چیز» و همبازی شدن با پرویز پرستویی به عنوان یک فیلم اجتماعی اقباسی و «صبحانه با زرافه‌ها» به عنوان یک فیلم کمدی از قدم‌های او در ژانرهای مختلف است.

نمای نزدیک

پرداخت، «به وقت شام» به کارگردانی حاتمی کیا یکی از همین آثار بود؛ فیلمی درباره حضور داعش در منطقه و نقش رزمندگان ایرانی در سوریه؛ تجربه‌ای دشوار که حتی یادآوری برخی فرازهایش در نشست خبری «به وقت شام» در آن دوره از جشنواره فیلم فجر، برخی را به اشتباه انداخته بود که حجازی‌فر و حاتمی کیا در طول فیلم، بسا یک‌دیگر دچار مشکل شده‌اند، این بازیگر اما خودش درباره این فیلم می‌گوید: «یکی از مشکلات من با ابراهیم حاتمی کیا در این فیلم سرِ زست‌ها و گوش‌ها و نوسود ادای دیالوگ‌ها بود. من می‌گفتم نه اینکه نخواهم این‌طور صحبت کنم، اساساً نمی‌توانم. وقتی از درون بازیگر باورش وجود نداشته باشد، اتفاقی که باید رخ نمی‌دهد. قطعاً کار کردن با ابراهیم حاتمی کیا یکی از آرزوهای بزرگ من بود و خاطرم هست بعد از قطع کردن تماسی که برای پیشنهاد این همکاری به من شد، واقعاً هیجان‌زده شدم، اما در کار پیش کردم».

حجازی‌فر این روزها با «ناتوردشت»، محصول سازمان سینمایی سوریه، به سینماها بازگشته است؛ فیلمی به کارگردانی محمدرضا خرمندان که به برگرفته از یک پرونده واقعی است؛ پرونده‌ای از ربایش یک دختر از سوی یکی از محلی‌ها و عزم و اتحاد ساکنان آنجا برای یافتن او. رونمایی از این فیلم در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر با استقبال منتقدان همراه شد و یکی از فصل‌های مشترک در واکنش‌های تحسین‌آمیز نسبت به فیلم انتخاب ترکیب بازیگران و عملکرد آنها در مقابل دوربین خرمندان بود.

حجازی‌فر در این فیلم ایفاگر نقش اصلی است و یکی از پخته‌ترین بازی‌های کارنامه‌اش را رقم زده است؛ «احمد پیران» محیط‌بانی است که خود را محل وقوع زندگی اطرافیانش کرده و حتی اعتبار و حیثیتی را به تمام سال‌های عمر به دست آورده است، بی‌هیچ دریغی برای کمک به دیگران هزینه می‌کند.

حجازی‌فر در این فیلم نخستین همکاری مشترک با میرسعید مولویان را نیز تجربه کرده است تا هر دو به‌عنوان زوج اصلی روایت بار اصلی «ناتوردشت» را به دوش بکشند. در کنار ماجرای گم شدن «پسلا» در کانون روایت فیلم، سلوک شخصیت «احمد» اهمیت ویژه‌ای در نگاه خرمندان داشته که با هنر نمایی هادی حجازی‌فر، به زیبایی در فیلم به تصویر کشیده شده است.

فعال در شبکه نمایش خانگی

شبکه نمایش خانگی هم مدیومی بوده که او در سریال «پوست شیر» نشان می‌دهد؛ سروش صحت به عنوان یک فیلم کمدی از قدم‌های او در ژانرهای مختلف است.

شبکه نمایش خانگی هم مدیومی بوده که او در سریال «پوست شیر» نشان می‌دهد؛ سربالی که ایفاگر نقش یک پدر بوم‌و می‌توان آن را یکی از موفق‌ترین سریال‌های یک دهه گذشت به تنوع و گسترش تجربه‌هایش

بریده‌هایی از کتاب «کافکا در کرانه» اثر هاروکی موراکامی

گلدان های گل را عوض کنیم، به عبارت دیگر، همیشه در کتابخانه خصوصی خودت به سر می‌بری.

«کافکا، بیرون چه می‌بینی؟ از پنجره پشت سرش به بیرون نگاه می‌کنم. - درخت‌ها، آسمان و قدری ابر را می‌بینم و چند پرندۀ روی شاخه‌های درخت- هیچ چیز غیر عادی نیست، درست؟- درست است. ولی اگر می‌دانستی فردا صبح دیگر نمیتوانی اینها را ببینی، همه چیز ناگهان در نظرت جلوه می‌کرد و از زشمند می‌شد، نه؟»

هنر و ادبیات

گروه سینما و ادبیات ۸۵۵۲۳۰۶۰

ابراهیم پشت کوهی، کارگردان نمایش «مکبث‌زار».

هنرمندان بزرگ تئاتر به شرق می‌آمدند تا آثارشان رنگ و بوی تازگی بگیرد

کارگردان نمایش «مکبث‌زار» از ظرفیت‌های هنرهای نمایشی در ایران و کشورهای شرقی گفت و از نبسود برنامه‌های حمایتی در این حوزه انتقاد کرد. به گزارش «جوان» ابراهیم پشت کوهی، کارگردان نمایش «مکبث‌زار» که این روزها در تماشاخانه هما روی صحنه می‌رود، به اینها گفت: در تمام این سال‌ها فقط شعار «تئاتر ملی» را شنیدیم و بیشتر یک کلمه بوده تا عمل. هیچ اتفاقی، اتفاقی نیست. دور شدن جوان‌ها هم از این حوزه اتفاقی نیست، این حاصل سیاست‌های غلط است. اقباس برای تئاتر، دانش مضاعف می‌خواهد تسلط همزمان بر درام نویسی و ادبیات لازمه کار است. توجه سیاستگذاران حوزه تئاتر، منتقدان، خبرنگاران و کانون‌های مربوط بسیار حائز اهمیت است به این دلیل که شما با انتخاب‌های تان جهت می‌دهید.

پشت کوهی ادامه داد: رمنو کاستولوچی، هنرمند تئاتر ایتالیایی در جلسه‌ای نکته‌ای را عنوان کرد که من سعی کردم در تمام این سال‌ها به آن وفادار باشم. او گفت که «من هرگز برای اینکه مخاطب چه می‌خواهد، کار نمی‌کنم. من آن چیزی را که فکر می‌کنم ضرورت است به صحنه می‌برم.» آن ضرورت فرهنگی مهم است. امروز به شکل افراطی مثلاً این کنسرت نمایش‌ها مد شده که هدف آن فروش است. بسیاری از تهیه‌کنندگان برای‌شان کار در حوزه فرهنگی با اقتصادی تفاوت نمی‌کند، مسئله بازگشت سرمایه است.

وی بیان کرد: چیزی که ابتدا توجه من را بسیار به خودش جلب کرد، گرایش غول‌های بزرگ تئاتر دنیا همچون گروتوفسکی، پیتر بروک، بوجینو باربا، آریان موشکین به شرق و داشته‌های فرهنگی آن بود. آنها به شرق می‌آمدند، چون معتقد بودند تئاتر غرب اشباع شده و رجعت آنها به نمایش و آیین‌های شرقی به آثارشان رنگ و بوی تازه‌ای می‌داد. من این شانس را داشتم که در سرزمینی به دنیا آمدم که پر بود از مراسم، آیین، رازها و جادوها.

پشت کوهی تشریح کرد: من فکر می‌کردم چه کنم که مثل دیگران نباشم و هر وقت در این تئاتر چیزی مد شد با فاصله از آن ایستادم. پس از آنجا که در یافتن آیین بستر بسیار مناسبی است برای بازتولید، با خودم گفتم تو چه چیزی برای گفتن داری که متفاوت باشد؟ ما چی داریم برای ارائه کردن که در عین حال که مال خودمان است، قابل عرضه در جهان باشد؟ جواب هویت و ریشه‌های ماست.

کارگردان نمایش «مکبث‌زار» با ذکر خاطره‌ای گفت: «تاداشی سوزوکی» نویسنده، فیلسوف و کارگردان تئاتر ژاپن، نکته جالبی عنوان می‌کند و می‌گوید: «وقتی می‌بینم بازیگران ژاپنی تلاش می‌کنند همچون بازیگران امریکایی بازی کنند، لدم برای‌شان می‌سوزد. چرا می‌خواهی شبیه آن بازیگران آمریکایی یا آلمانی باشی؟ اون در حال زیست خود است، جهان خودش را دارد و تو باید جهان خودت را کشف کنی.»



وی خاطرنشان کرد: دیدم سوزوکی قبل از من به این نکته مهم رسیده است که باید تئاترش را بر مبنای فرهنگ خودش پایه‌ریزی کند. سوزوکی چهار برداشت از مکبث داشته که در یکی از آنها به جای «خواهران جادوگر» که من در این نمایش از «خواهران راز» استفاده کردم، او از سه راهبه که کتابی در دست دارند و روی آنها نوشته مکبث استفاده کرده است. این کلید ورود به نمایش سوزوکی است.

این کارگردان تئاتر افزود: شما در همان ابتدا که با نمایش من روبه‌رو می‌شوی، می‌بینی دوزن برقه پوش نشسته‌اند و دارند قلیان می‌کشند، «خواهران راز» کلید ورود به جهان اثر من است. در اثر به مرور زمان زیبایی‌شناسی خودت را پیدا می‌کنی، چیزی که من سعی کردم به آن برسم و چیزی است که جایگاه واقعی ایران است، پلی میان شرق و غرب. بنابراین برای من به لحاظ زیبایی‌شناسی شرق و به لحاظ تئوری غرب جذاب بوده است.

وی گفت: در همین نمایش «مکبث‌زار» یک دیالوگ از زبان شخصیتی به نام «دلکنک» داریم که من خودم به کار اضافه کردم، می‌گوید: زمان بزرگ‌ترین قاضی است. لیدی مکبث مخاطبی که آثار من را دنبال می‌کند، می‌داند من صرفاً از آیین استفاده نمی‌کنم. مثلاً من یک کمدی سیاه کار کردم که از یک رمان ایرانی اقتباس شده بود یا نمایش «هملت پشت کوهی» یک اثر رئالیستی بود. حالا چرا دوباره به آیین بازمی‌گردم؟ چون آن چیزی که تو برپرت‌تر است، در تو قدرت‌مندتر خودش را نشان می‌دهد. اگر هنرمند با خودش صادق باشد، به نظم هوایی را هم که در آن تنفس می‌کند روی اثرش تأثیر می‌گذارد. من نه تنها در مورد جنوب بلکه در مورد بسیاری از آیین‌های ایران تحقیق کردم. فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، ریشه‌های زرتشتی و آیین‌های کردی را مورد مطالعه قرار دادم.

پشت کوهی با ابراز ناراحتی از حضور نیافتن گروه‌های تئاتری در کشور گفت: طبق شواهد موجود در تمام این سال‌ها مخاطب ایرانی و حتی بیشتر مخاطبان از طرف دنیا استقبال خوبی از این آثار داشته‌اند. همین نمایش در بغداد، مسکو، سن‌پترزبورگ و مجارستان در جشنواره‌ها و اجراهای عمومی جوایز و توجهات زیادی رو جلب کرده است. در آلمان که می‌شود گفت به لحاظ فرهنگی فاصله بیشتری با آنها داریم، نزدیک ۱۵ دقیقه تماشاگران نمایش را تشویق کردند. نورپرداز آلمانی می‌گفت که من بالای ۱۰۰ مکبث دیدم ولی این بهترین بود. اینها چیزی است که عیار جهانی این سرزمین را نشان می‌دهد.

وی ادامه داد: منتقدی در فرانسه گفت «یابد مکبث زار در دانشگاه تدریس شود، به خاطر اینکه ببینند در عمل چگونه می‌شود اندیشه‌های «راتو» را روی صحنه آورد.» این نشان می‌دهد می‌شود ریشه‌ها را حفظ کرد و در عین حال با تئاتر غرب هم همسانی داشت و هم چشم‌انداز تارهای به آنها نشان داد.

این کارگردان جنوبی از نبودن ارتباط جهانی بین هنرمندان ایرانی و خارجی انتقاد کرد و گفت: ارتباط ما با دنیا، ارتباط پیوسته نیست. ما تقریباً مثل یک جزیره ایم، رفت‌وآمد هنری مخصوصاً در تئاتر بسیار کم‌رنگ است. در جشنواره تئاتر بغداد ناراحت شدم، چون از بیشتر کشورهای صاحب سبک تئاتری اروپا و از فریقا در آن حضور داشتند؛ جشنواره‌ای که فقط طی یک دوره توانسته بود چهره‌های بسیار تأثیرگذاری را جذب کند و حالا آن را مقایسه کنید با جشنواره‌های خودمان. الگار عادت کرده‌ایم هر بار چرخ را دوباره اختراع کنیم. هر سال یک شورای سیاستگذاری جدید، معرفی می‌کنیم و این کار اشتباه است. باید یک اتاق فکر دائم داشته باشیم. باید ضرورت‌های فرهنگی راز هنرمندان مستقل در هر هنرمندان وابسته که مجبور هستند به خاطر خوشایند مدیران هر حرفی را بزنند، در یافت کنیم. ما یک چیزهایی را فراموش کرده ایم، آن طرف هم ما را فراموش کرده، ما باید خودمان برای عرضه محصولات فرهنگی تالشی مضاعف کنیم تا توجه آنها را جلب کنیم.

